



«حلقات»

درس ۹۳

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار :

گفتیم برای تکلیف شروطی وجود دارد که در مراحل سه‌گانه تکلیف (ملاک، اراده، جعل) ایفای نقش می‌کنند. شرط اتصاف و شرط ترتب مربوط به مرحله ملاک است. این شروط در مرحله اراده، «شرط اراده و شرط مراد» نامیده می‌شوند و در مرحله جعل، از آن‌ها به «شرط وجوب و شرط واجب» یاد می‌شود. در درس‌های پیش به بررسی این شروط پرداختیم و ارتباط آن‌ها با یکدیگر را بررسی کردیم. شهید صدر در ادامه بررسی این شروط، تفاوت دو نحوه ثبوت تکلیف که عبارت است از ج عل و مجعول را بیان می‌کند و در پایان به تبیین امکان وجوب مشروط می‌پردازد.

و لهذا كثيراً ما يتحقق الجعل قبل ان توجد شروط الاتصاف خارجاً. و اما فعلية المجعول فهي منوطة بفعلية شروط الاتصاف بوجودها الخارجى، فما لم توجد خارجاً كل القيود المأخوذة فى موضوع الحكم لا يكون المجعول فعلياً. و اما شروط الترتب فتؤخذ قيوداً فى الواجب تبعاً لأخذها قيوداً فى المراد.

و بهذا نعرف ان الوجوب المجعول لا ثبوت له قبل وجود شروط الاتصاف، لأنه مشروط بها فى عالم الجعل.

و اما ما يقال من ان الوجوب المشروط غير معقول، لأن المولى يجعل الحكم قبل ان تتحقق الشروط خارجاً فكيف يكون مشروطاً؟ فهو مندفع بالتمييز بين الجعل و المجعول، و الالتفات إلى ما ذكرناه من إناطة الجعل بالوجود التقديرى للشرط، و إناطة المجعول بالوجود الخارجى له.

و اما ثمرة البحث عن إمكان الوجوب المشروط، و امتناعه فتظهر فى بحث مقبل إن شاء الله تعالى.

المسئولية تجاه القيود و المقدمات تنقسم المقدمات الدخيلة فى الواجب الشرعى إلى ثلاثة أقسام:

الأول: المقدمات التى تتوقف عليها فعلية الوجوب، و هى انما تكون كذلك بالتقييد الشرعى، و أخذها مقدرة الوجود فى مقام جعل الحكم على نهج القضية الحقيقية لأن الوجوب حكم مجعول تابع لجعله، فما لم يقيد جعلاً بشيء لا يكون ذلك الشيء دخيلاً فى فعليته و تسمى هذه المقدمات بالمقدمات الوجوبية، كالاستطاعة بالنسبة إلى وجوب الحج.

جعل و مجعول

گفتیم دو شرط وجوب و واجب در تمام مراحل تکلیف ایفای نقش می‌کنند و این نشان می‌دهد که این شروط تنها اموری اعتباری نیستند و مبدأ و منشأ واقعی و غیراعتباری دارند. این شروط در مرحله جعل به صورت شرط واجب و شرط وجوب خودنمایی می‌کنند.

گفتیم تکلیف دو گونه ثبوت دارد:

الف) جعل: که رسیدن به ثبوت نخستین تکلیف است و شامل مراحل ملاک، اراده و جعل است.

ب) مجعول: این ثبوت هنگامی است که شرایط تکلیف در مرحله جعل، نمود خارجی پیدا کند و مرحله فعلیت یافتن تکلیف است.

نکته ۱:

درباره این گونه ثبوت توجه به دو نکته لازم است: ۱. دو گونه ثبوت تکلیف (جعل و مجعول) در نحوه اشتراط به شروط اتصاف، با هم تفاوت دارند.

جعل از آن جا که امری نفسانی است، شروط اتصاف به وجود لحاظی و تقدیری در آن قید می‌شوند و توجهی به وجود خارجی شروط اتصاف نمی‌شود، چه بسا جعل پیش از تحقق شروط اتصاف در خارج صورت می‌پذیرد و این نشان از عدم ارتباط جعل با تحقق خارجی شروط اتصاف است؛ اما فعلیت مجعول مقید به فعلیت شروط اتصاف در عالم خارج و واقع است و در صورتی این ثبوت برای تکلیف حاصل می‌شود که شروط اتصاف وجود عینی و خارجی بیابند. این تفاوتی است که بین مرحله ملاک و اراده نیز مطرح شد.

۲. نتیجه مطلب بالا، عدم ثبوت مجعول پیش از وجود شروط اتصاف است؛ زیرا فعلیت تکلیف تابع جعل آن است و از آن جا که جعل مشروط به شروط اتصاف است، فعلیت مجعول مشروط به فعلیت شروط اتصاف است.

۱۴:۴۰

امکان وجوب مشروط

برخی وجوب مشروط را غیر معقول می‌دانند و دلیل آن‌ها، لزوم دور است و می‌گویند وجوب مشروط مس تلزم دور می‌باشد.

بیان دور

تحقق جعل حکم پیش از تحقق شروط است و مولا پیش از این که شروط در خارج محقق شوند، تکالیف را جعل کرده است. از سوی دیگر حکم مشروط باید پیش از تحقق شروط پدید آید؛ زیرا معنای مشروط بودن حکم، توقف آن بر تحقق شروط است، در نتیجه جعل مقدم بر شروط است، در حالی که شروط هم مقدم بر جعل هستند و این به معنای تقدم شیء بر خودش می باشد که لازمه دور است و محال.

پاسخ از دور

پاسخ این استحاله از تفاوتی که بین دو نوع ثبوت تکلیف گفتیم روشن می گردد، به این بیان که آنچه پیش از تحقق شروط محقق می شود، ثبوت جعلی تکلیف است؛ اما آنچه پس از تحقق شروط حاصل می شود، ثبوت مجعولی تکلیف است، پس متوقف و متوقف علیه واحد نیستند و دور پیش نمی آید.

۲۱:۵۵

مسئولیت مکلف در قبال قیود و مقدمات

مقدمات دخیل در واجب شرعی دو گونه اند:

الف) مقدمات وجوبی: گاه اصل تحقق و فعلیت وجوب بر چیزی متوقف است، از متوقف علیه به مقدمه وجوبی یاد می کنیم.

این مقدمات به وسیله شارع برای تکلیف قرارداد می شوند و در مقام جعل حکم، مفروض الوجود و به صورت قضیه حقیقه لحاظ می شوند؛ بدین معنی که بدون توجه به وجود خارجی آن ها و با فرض وجودشان، تکلیف به صورت مقید به آن ها جعل می گردد. از آن جا که وجوب حکم تابع جعل است، مقید شدن جعل به این قیود موجب می شود فعلیت وجوب هم متوقف بر این قیود باشد و از این جهت از آن ها به مقدمه وجوبی تعبیر می شود؛ مانند استطاعت برای حج که هنگام جعل مقدار الوجود لحاظ می شود و فعلیت وجوب حج متوقف بر تحقق آن است.

ب) مقدمات وجودی: گاه وجود واجب بر چیزی متوقف است که در این صورت متوقف علیه مقدمه وجودی می باشد و مقدمات وجودی خود بر دو قسم می باشند:

۱. مقدمات وجودی عقلی؛

۲. مقدمات وجودی شرعی.

در درس بعد به بررسی تفصیلی این دو گونه خواهیم پرداخت.

۱. تکلیف دارای دو گونه ثبوت است: جعل و مجعول.
۲. ارتباط شروط اتصاف با تکلیف در ناحیه جعل به صورت لحاظی و تقدیری است و در ناحیه مجعول به صورت خارجی و عینی می‌باشد.
۳. فعلیت مجعول متوقف بر تحقق شروط اتصاف است.
۴. برخی برای بیان استحاله وجوب مشروط استلزام دور را مطرح نموده‌اند.
۵. بیان دور این گونه است که جعل حکم پیش از تحقق شروط است و حال آن که هر مشروطی پس از تحقق شروطش محقق می‌شود و این به معنای تقدم شیء بر خودش می‌باشد که لازمه دور است.
۶. پاسخ دور این است که آنچه پیش از تحقق شروط است، مرحله جعل حکم است و آنچه پس از تحقق شروط است، مرحله مجعول حکم است.
۷. مقدمات واجب دو قسم‌اند: مقدمات وجوبی و وجودی.
۸. مقدمه وجودی هم به دو قسم عقلی و شرعی تقسیم می‌شود.